

سبک احترام



۸ درس آموزنده برای نیکی به والدین

فراموش‌شان نکن، چه باشند یا رفته نباشند

■ حجت‌الاسلام علیرضا فرهنگ*

جایگاه و مقام پدر و مادر نزد خدای متعال آنقدر ارزشمند است که خدای متعال بعد از پرستش خود در چندین آیه از قرآن بلافاصله احترام و احسان به والدین را ذکر کرده‌اند. از این است که رعایت حقوق والدین می‌تواند زندگی انسان را متحول و خطاهای بزرگ انسان را مورد بخشش قرار دهد. فردی نزد رسول‌الله(ص) آمده عرضه داشت: عمل زشتی نیست که انجام نداده باشم. آیا راه توبه‌ای برایم هست؟ حضرت فرمودند: «آیا از پدر و مادرت هیچ کدام باقی مانده‌اند؟» گفت: پدرم. حضرت فرمودند: «برو و به او نیکی کن.» منظور پیغمبر خدا، توجه و ویژه به مقام پدر و مادر بود. پس باید نسبت به این دو گوهر ارزشمند و بی‌نظیر اهتمام ویژه و توجه بیشتری داشته باشیم. آنچه در ادامه می‌خوانید گوشه‌ای از مصادیق احترام به بزرگ‌ترها و سالمندان بر حسب تجارب شخصی نگاره‌اند است. امید آنکه مقبول افتد.

صدایت را از صدای آنها بلندتر مکن!

یکی از آداب مهم در ارتباط با پدر و مادر نوع دنبال آن اثرات بدی بر روح و روان فرزند می‌گذارد و همین باید از طرف فرزندان نیز نسبت به پدر و مادر رعایت شود. یکی از راه‌های مهمی که انسان می‌تواند به پدر و مادر خود مسائلی که بعضاً مورد رضایت فرزند نیست، چه به حق باشد و چه باطل، فرزند از پدر یا مادر رنجور می‌شود و جایگاه والدین خود غافل و زیناش با پدر و مادر از گفتار لطیف، سنجیده و بزرگوارانه خارج می‌شود و با یک جمله دل آنان را می‌رنجاند و این رنجش باعث تیرگی رابطه او با والدین می‌شود. فرزندان باید مواظب باشند به دل نگیرند و درصدد تلافی نباشند؛ چراکه پدر و مادر بیش از اینها بر ما حق دارند. پدر از روی دلسوزی ما را نصیحت می‌کند. شاید در نوع جملاتش از روی دلسوزی نصیحت بی‌برده و حتی تند می‌شود. مواظب باشید وسط حرف آنان نپرید. حرفشان اگر اشتباه هم باشد، صبر کنید تمام شود و بعد با زبانی نرم آنان را توجیه کنید. با آنان بلند صحبت نکنید. گفتار تان را طوری تنظیم کنید که حتی تن صدایتان پایین‌تر از آنان باشد. آنها را با احترام صدا بزنید و یاد کنید. امام صادق(ع) فرمودند: اگر یکی از ایشان با هر دوی آنها نزد تو بی‌پیری رسیدند به آنها اف مگو و با آنها تندی مکن؛ یعنی اگر تو را دلالتگ کردند به آنها ف مگو و اگر تو را زدند به آنها تندی مکن و منظور از قول خدای متعال که فرمود: به آنها سخنی شریف و بزرگوار بگو. یعنی اگر تو را زدند، بگو: خدا شما را بیامرزد. این است سخن شریف تو؛ چراکه خدای بارک و تعالی تأکید کرده: بل و بفرمودنی و مهریانی را برای آنان فروکش، دیدگانت را به آنها خیره مکن. بلکه با مهریانی و دلسوزی به آنها بنگر، صدایت را از صدای آنها بلندتر مکن، دستت را بالای دست آنها مگیر و بر آنها پیشی مگیر.

احترام پدر و مادر با ادای حقوق آنان

از بارزترین صفات پدرم این بود که همیشه پدر و مادرش را در نماز و روزه و ادای قضای اعمال آنان یاری می‌کرد تا خدایی ناکرده در آخرت گرفتار نباشند. او مثل اینکه

می‌دانست باید برای پدر و مادر در عمل کاری کرد و احساس می‌کرد که در بر خ و قیامت باید به کمک پدر و مادر شتافت. از این رو به انجام دادن اعمال برای پدر و مادر اهتمام ویژه‌ای داشت. متأسفانه بعضی فرزندان در زمان حیات پدر و مادر آنان را یاری نمی‌کنند. همین باعث می‌شود در وفات آنان نیز کوتاهی کرده و آنان به فراموشی سپرده شوند، اما گاهی اوقات همین فرزندی که از پدر یا مادر غافل بوده، بعد از وفات آنان بیدار شده و حقوق آنها را ادا می‌کند. در این صورت مورد رحمت قرار گرفته و از عاق والدین نجات پیدا می‌کند. هر چند بعضی‌ها در زمان حیات آنان عاق نشده‌اند، اما بعد از رحلت‌شان عاق می‌شوند؛ چرا که بعد از رحلت او را فراموش می‌کنند. خوشبایه حال کسانی که هم در حیات و هم در ممات آنان را فراموش نکنند.

احتیاط در نوع نگاه کردن به پدر و مادر

فرزند وقتی در دامان پدر و مادر است، هر رفتاری از آنان صادر شود، در روح و روان کودک، هر چند شیر خوار باشد، اثر می‌گذارد. به طور مثال غم و غصه، شادی و نشاط و... در جسم او نیز اثر دارد. از این رو تغذیه فرزند در دوران شیر خوارگی را نیز که دوران حساسی است، تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله این رفتارها نگاه است. نگاه پدر و مادر به فرزندان می‌تواند بر آرایش باطنی آنان اثر بگذارد. اگر نگاه از روی رحمت و عطفوت باشد، باعث تربیت

ستم کرده باشند، نمازش پذیرفته نشود. عجیب است که آنقدر مقام پدر و مادر مهم است که ائمه و معصومین (ع) فرموده‌اند: در صورتی که پدر و مادر در حق شما ظلم کردند، نباید نگاه تند به آنان کرد. اینجا ایمانی بسیار قوی می‌خواهد که به این حدیث عمل کند. واقعاً خدا باید تحمل و طاقت و ایمان قوی برای عمل به این احادیث را طلب کنیم تا در صورت کم‌لطفی از طرف پدر و مادر، نگاه مهربانانه خود را از این سرمایه‌های معنوی دریغ نکنیم.

احترام به والدین احترام فرزندان به آدمی

یکی از اعمالی که در همین دنیا انسان نتیجه‌اش را خواهد دید، نیکی به پدر و مادر است. پدر طوری با ما بر خورد می‌کرد که به خودمان اجازه نمی‌دادیم خدایی ناکرده در مقابل او رفتار او موضعی از خود نشان دهیم. همیشه به خود می‌گفتم باید حریص‌ر ا حفظ کنیم. این نوع رفتاری که از ما صادر می‌شد، فقط به خاطر رفتاری بود که خودش با مادرش داشت او همیشه نسبت به مادرش همین روحیه را داشت. طبیعتاً باید ما هم مواظبت کنیم تا نتیجه رفتارش را ببیند. البته ما مثل او نتوانستیم قدر دان زحمات پدر و مادر باشیم. پدر در زبان و رفتارش رضایتش را ابراز می‌کرد. ما همه نواقصی که بنده داشتیم و این مایه فخر و سربلندی ما بود که پدر از دست فرزند رضایت دارد، بالاخره او داشت نتیجه رفتار خود را مادر را می‌دید. از همین روست که امام صادق (ع) می‌فرماید: «احسان کنید به پدران تان تا احسان کنند به شما پسران تان.»



هر چه به پدر و مادر احسان کنی، همان را از فرزند خود دریافت می‌کنی. اگر هم تابه حال کوتاهی کرده‌ای و یکی از آنان با هر دو را از دست داده‌ای، برای رضایت خدا و رضایت پدر و مادر، و بندگی خدا را در پیش بگیر و با ادای حقوق پدر و مادر باز سر سفره لطف و رحمت آنان بنشین.

آنچه باید مورد توجه قرار بگیرد احسان و نیکوکاری به پدر و مادر در طول حیات خودمان است. تا وقتی ما زنده هستیم باید از لطف و عنایت خود به پدر و مادر غافل نشویم. و بعد از زندگی شان نیز باز این احترام در قالب‌های دیگر ادامه پیدا کند. بعضی‌ها بعد از رحلت پدر و مادر، آنان را در زندگی روزمره به فراموشی سپرده و دچار غفلت می‌شوند. از این رو در روز قیامت خدای متعال به افرادی که در دنیا نسبت به والدین خود بعد از مرگشان احسان بیشتری کرده‌اند، عنایت و توجه و ویژه‌ای می‌کنند

پدر از روی دلسوزی ما را نصیحت می‌کند. شاید در نوع جملاتش از روی دلسوزی تند می‌کند. مواظب باشید وسط حرف آنان نپرید. حرفشان اگر اشتباه هم باشد، صبر کنید تمام شود و بعد با زبانی نرم آنان را توجیه کنید. با آنان بلند صحبت نکنید. گفتار تان را طوری تنظیم کنید که صدایتان پایین‌تر از آنان باشد. آنها را با احترام صدا بزنید و یاد کنید

گفتاری‌های بعد از مرگ رهایی یابد و برای آرامش ادبی آینده عمر خود را تضمین کند، راهی ندارد مگر اینکه از مسیر خدمت به پدر و مادر به خوبی بگذرد.

پدر و مادر مایه برکت رزق و روزی

نیاز پدر و مادر به فرزندان در دوران پیری بیشتر است و فرزندان باید در برابر نیازهای آنان بدون هیچ مننی بلکه با افتخار خود را وقفشان کنند، چرا که آنان در زمان کودکی

ما خود را وقف ما کردند. از همه چیز خود گذشتند تا ما بزرگ شدیم. الان نوبت ماست. از این رو خدایی ناکرده نباید این تفکر در ذهن‌ها باشد که پدر و مادر در زندگی هزینه بر دوش فرزندان می‌گذارند. متأسفانه در بعضی‌ها این بی‌مهری‌ها را مشاهده می‌کنیم و چقدر دردناک است پدر یا مادری فکر کنند سربار فرزندان هستند و فرزندان در این تفکر امام صادق(ع) فرموده‌اند: نیکی به پدر و مادر رزق را زیاد می‌کند. یا در روای دیگر پیامبر(ص) می‌فرماید: هر کسی دوست دارد خداوند عمرش را بر ترک دهد و رزقش را وسعت دهد با پدر و مادرش از تباط خوبی داشته باشد، چرا که از تباط شایسته با آنان در واقع یکی از عبادات و اطاعت خداست.

بهشتیان، احترام کنندگان به پدر و مادر ند

پدر واقعاً تا آخر عمر خود نسبت به مادرش هر چه می‌توانست احترام قائل بود و بعد از مرگشان نیز برایشان خیرات و عبادات می‌فرستاد. او مثل اینکه بعد از مرگشان با آنان زندگی می‌کرد و با آنها نفس می‌کشید. آنچه باید مورد توجه قرار بگیرد احسان و نیکوکاری به پدر و مادر در طول حیات خودمان است. تا وقتی ما زنده هستیم حتی اگر به پیری رسیدیم باید از عنایت خود به پدر و مادر غافل نشویم و بعد از زندگی شان نیز باز این احترام در قالب‌های دیگر ادامه پیدا کند، چرا که احترام به والدین یک غذای معنوی است که جان و روح انسان به آن نیاز و بر توشه آخرتی انسان نیز تأثیر بسیار زیادی دارد. متأسفانه بعضی بعد از رحلت پدر و مادر آنان را در زندگی روزمره به فراموشی سپرده و دچار غفلت می‌شوند. از این رو در روز قیامت خدای متعال به افرادی که در دنیا نسبت به والدین خود بعد از مرگشان احسان بیشتری کرده‌اند، عنایت و توجه ویژه‌ای می‌کنند.

احترام به پدر و مادر باید آوری گذشته و کودکی خود

بی‌شک احترام کنندگان به پدر و مادر در عرش سیر می‌کنند. اگر بخواهیم مورد توجه خدای متعال و رحمت خاصه او را آینده عمرمان و بعد از مرگمان باشیم، باید

در اکرام و حفظ جایگاه والدین تلاش و در زندگی برای این امر برنامه‌ریزی کنیم. گاهی اوقات انسان در زندگی دنیا و حوادث گوناگون آن غرق شده و خود دارای زندگی و اهل و عیال می‌شود و اینکه زمانی کودکی گذشته و در آغوش پدر و مادر روزگاری را طی کرده را به فراموش می‌سپارد، در حالی که اگر ما گاهی اوقات دفتر گذشته عمر و کودکی خود را ورق بزنیم، به خوبی به ضعف خود و لطف و عنایت پدر و مادر پی می‌بریم. آنان که ما را در دامان خود بزرگ کردند و ما هیچ دغدغه‌ای نداشتیم اما آنان ما را تر و خشک می‌کردند و... فراموش نمی‌کنم که مادر از مرضی مادر شرایط سخت و طی کردن مسیر طولانی برای درمان با پدرم باستان‌هایی می‌گفت. پدر از سستی‌هایی که کشیده بود، حکایت‌هایی می‌گفت و چقدر خوب است انسان از پدر و مادر خود بخواهد برایشان از دوران کودکی بگویند تا فراموش نکنیم باید قدر دان آنان باشیم. از این رو یکی از ده‌هایی که در قنوت نماز و بعد از نمازها و هر وقتی که دل انسان متصل به درگاه ربوبی، به بخواند این است که: خداوند ما و پدر و مادرم را ببامرز و به ایشان ترحم فرما همین طوری که ایشان در طفولیت و کودکی به من ترحم کرده و تربیت نمودند و از طرف من به ایشان پاداش نیک عطا فرما. خداوند به واسطه احسانشان به من توفیق به ایشان پاداش بده و به آنها احسان نما در مقابل بدی‌هایشان آنها را ببامرز، خداوند به واسطه رحمت و اسعادت ایشان را به بهشت داخل کن.

پدر چقدر عاقبت بخیری و نجات از سختی‌های مرگ و کسب توشه برای آخرت از خدا تقاضای کرد، حتی به دیگران نیز سفارش عاقبت بخیری می‌کرد. یکی از عزیزانی که با ایشان در مسجد در کنار هم می‌نشستند بعد از رحلت پدر به بنده می‌گفت: او به من سفارش عاقبت بخیری و دعا برای عاقبت بخیری خود را تقاضای کرد. با قدری تفکر در این عالم فانی و تمام شدنی و عمر کوتاه به خوبی متوجه می‌شویم که ما برای این دنیا خلق نشده‌ایم. آمده‌ایم که توشه‌ای برای زندگی جاود برداشته و سفر کنیم. انسان با همین سرمایه‌های دنیایی خود در آخرت زندگی می‌کند. نمی‌توان در دنیا توشه‌ای غیر از توشه آخرتی برداشت و انتظار داشت زندگی طیب در آخرت داشته باشیم. هر کسی بخواهد از سختی‌های مرگ و

سبک نگرش



روایت آنان که زندگی را خوب تحلیل، ولی بد تجربه می‌کنند

این قدر فکر نکن، زندگی کن!

■ تلخیص: سلما سلطانی

روزگاری تحمیلات بیشتر معنایش کار بهتر، در آمد بهتر و جایگاه اجتماعی بالاتر بود، اما امروز تحمیلات بیشتر، مخصوصاً در برخی رشته‌ها، فقط به درد این می‌خورد که عمیق‌تر و با اطلاعات بیشتری غصه بخوریم. کتاب جدید و تحسین‌شده «زندگی ذهن» به چنین موقعیتی می‌پردازد. آنچه در ادامه می‌خوانید مقاله جیا تولنتینو نویسنده نیویورکر درباره این موضوع و محتوای کتاب مزبور است. کتابی که به ما می‌گوید خیلی‌ها زندگی را خوب تحلیل می‌کنند، ولی بد تجربه می‌کنند.

کار زیادی نمی‌کند. تلاش علمی انتقادی هم رویکرد اصلی دوروتی برای فهم دنیاست و هم فرآیندی که مدام خود را از آن منفک می‌کند. دوروتی وقتی در مترو می‌بیند هیچ‌وقت از او نخواستم بیشتر توضیح دهد، چون می‌ترسیدم نتیجه هر چه باشد همانطور که گفته مرا احقّق کند، یعنی به قدری درگیر فهمیدن شوم که از فهمیدن واقعی باز بمانم، و به قدری بر مفهوم هم مثل خیلی از آشنایانم، تا حدی احقّق بوم، که از دلالی که می‌ترسیدم سؤال کنم این بود که من هم مثل خیلی از آشنایانم، تا حدی احقّق بوم، مثل کسی که خوب زندگی را تحلیل می‌کند، ولی بد آن را تجربه می‌کنند. تحلیل کردن به جای تجربه کردن، در بعضی موقعیت‌ها مثل دانشگاه و رسانه و تیویتر، استعدادی همه گیر و کم و بیش مطلوب است. چطور می‌شود تجربه‌ای کامل داشت وقتی سه‌ه‌نیم میلیارد نفر افکارشان را در اینترنت و اشتراک می‌گذارند، ثروت بیست‌وشش میلیارد به اندازه نیچی از مردم جهان است و فاجعه اقلیمی بقای همه ما را تهدید می‌کند؟ به همه اینها، زندگی در گوشت و پوستی متحرک با یک قلب و یک خود را هم اضافه کنید. جواب این است: معمولاً تجربه کاملی نداریم.

اولین رمان کر یستین اسمالوود، «زندگی ذهن»، کتاب ارزشمندی است. شخصیت اصلی رمان، دوروتی، مدرس مدعو درس زبان انگلیسی در دانشگاهی بی‌نام و نشان در نیویورک است که در دهه چهارم زندگی‌اش به سر می‌برد. موجودی حساب بانکی‌اش او را به وحشت می‌اندازد و این در حالی است که بهترین دوستش، میلی ۱۰ هزار دلاری را بی‌ارزش قلمداد می‌کند. دوروتی، در حالی که به آب‌سردکن دانشگاه خیره شده است، با خودش فکر می‌کند «بقیه حداقل شغلی دارند که مجبور نباشند از این آب‌سردکن کثیف آب بخورند.» او دکترای زبان انگلیسی دارد و دروغ است. مجبور است کتاب‌هایی که دوست ندارد را به دانشجویانی درس بدهد که از نظارش آدم‌های جالبی نیستند و زندگی آهسته آهسته امید را از او می‌گیرد، مثل اینکه در هواپیما بخوابد یوتیوتان را از زیر بغل دستی‌تان که دارد خرویف می‌کند، بیرون بکشید. اسمالوود می‌نویسد: «او یادش می‌آید زمانی انجم کاری که برایش آموزش دیده بود، چندان سخت به نظر نمی‌رسید، ولی الان دیگر خواستن مربوط به گذشته است. او در دوران پس‌خواستن زندگی می‌کند.»

دوروتی هم، مثل خیلی از کسانی که این رمان را دوست خواهند داشت، گاهی شدیداً افسرده و ناکارآمد است و گاهی کاملاً عادی و خوب، با خودش فکر می‌کند «آیا خسته‌است؟ چه احساسی باید داشته باشد؟» او در حریم خصوصی ذهنش زندگی می‌کند و آهسته در امواج خروشان افکارش به ماجراجویی مشغول است، ولی در دنیای فیزیکی به تمام نعمه‌های خواننده و ناخوانده در سینه‌اش مویه می‌کند، سرشار از اضطراب و پشیمانی است، ذوق‌زد و ناامید، بیشتر می‌خواهد و در عین حال آرزو می‌کندای کاش کمتر می‌داشت.

بخشی از من که از ایده‌های احمقانه بدش می‌آید می‌خواهد دوروتی دو دقیقه این افکار را دور ببرد، آهنگ «به راه خودت برو» را گوش کند، ولی بعد می‌بینم چنین پاراگرافی هجانی را به وجود می‌آورد که مثل بقیه بخش‌های رمان دردآورد و رضایت‌بخش اسمالوود، تنها از طریق تفکر بیش از حد و وسواسی امکانپذیر است. چرا در لحظه زندگی کنید وقتی می‌توانید آن را تاجای ممکن تجزیه و تحلیل کنید؟

نقل و تلخیص از: وب سایت ترجمان نوشته: جیا تولنتینو/ ترجمه: محمدحسن شریفیان / مرجع: نیویورکر

■ یکی از ویراستاران قدیمی من به من می‌گفت «ایده‌ها احمقت می‌کنند.»

هیچ‌وقت از او نخواستم بیشتر توضیح‌دهد، چون می‌ترسیدم نتیجه هر چه باشد، همان‌طور که گفته مرا احقّق کند، یعنی به قدری درگیر فهمیدن شوم که از فهمیدن واقعی باز بمانم و به قدری بر مفهوم متمرکز شوم که از چرخش جهان غافل شوم